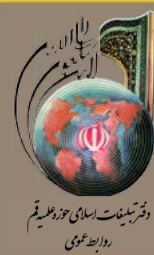


ویرانه‌نامه  
ولادت امام محمد  
عجل‌الله‌فرجه



## ولادت نام سجاد



### مناقب و فضایل امام سجاد علیه السلام به روایت علمای شیعه و سنی

شیعیان، تنها گروهی از مسلمانان نیستند که شیفته شخصیت و سیره علمی و عملی امام سجاد علیه السلام هستند؛ کتاب‌های علمای مشهور اهل سنت نیز، مشحون از توصیف سجایای اخلاقی و عبادی امام زین‌العابدین علیه السلام است. «ابی نعیم اصفهانی»، محدث شهیر اهل سنت، از امام سجاد علیه السلام با عبارت «زین‌العابدین و منار القانتین، کان عابداً و فیاً و جواداً حفیاً» یاد می‌کند (حلیة الاولیاء؛ ص ۱۳۳) و «محمد بن احمد ذهبی» درباره آن حضرت می‌نویسد: «به راستی، که به سبب شرافت، دانش، معرفت و اندیشه بی‌مانندش، شایسته امامت و رهبری بود.» (سیر اعلام النبلاء؛ ص ۳۹۸) بی‌تردید، این سجایای والای اخلاقی و انسانی، در کنار دعاهای روحبخش و سرشار از آموزه‌های ناب اسلامی، نقش مهمی در گسترش آموزه‌های راستین دینی و احیای اخلاق اسلامی، در دوران پراختناق اموی داشت.

### شخصیت امام زین‌العابدین علیه السلام در آثار مورخان جهان اسلام

«فَرَزْدَق»، شاعر معروف عرب، در قصیده‌ای که شهرت فراوانی دارد، به بیان گوشه‌ای از ابعاد شخصیت بی‌بدیل امام زین‌العابدین علیه السلام می‌پردازد و می‌سراید: «هذا الذی تعرف البطحاء و طأته \* و البیت یوفه و الحل و الحرم / هذا ابن خیر عبادا... کلهم \* هذا التقی الطاهر العلم / هذا ابن فاطمه، ان كنت جاهله \* بجده انبیا... قد خُتموا / و لیس قولک من هذا بضائره \* العرب تعرف من انکرت و العجم / کلتا یدیه غیاث عمّ نفعهما \* تُستوکفان و لا یعروهما عدم؛ او که تو نمی‌شناسی، همان کسی است که سرزمین بطحا جای گام‌هایش را می‌شناسد و کعبه و حل و حرم در شناختن او، همدم و همقدمند / او فرزند بهترین تمامی بندگان خداست؛ او همان شخصیت مبرا از هر آلودگی و زشتی و پیراسته از هر عیب و علت و مبرا از هر تهمت و کاستی و کوه بلند علم و فضیلت و خورشید عظیم هدایت است / او فرزند فاطمه (س) است؛ اگر تو نسبت به نسب او جهل داری بدان که او همان کسی است که با جدش، سلسله انبیا ختم شده است / این که گفتمی: این کیست؟ باعث کاستن از عظمت و جلوه جلال و شکوه شخصیت او نمی‌شود، زیرا، آن کسی که تو او را نمی‌شناسی، عرب و عجم هر دو او را به خوبی می‌شناسند / هر دو دستش ابری فیاض و رحمت گستر است که باران فیض را فرو می‌بارد و جود و عطایش، هیچ‌گاه کاستی نمی‌پذیرد.» (حلیة الاولیاء؛ ص ۱۳۹) ظاهراً «فرزدق» این قصیده شورانگیز را در پاسخ به بی‌احترامی «هشام بن عبدالملک» نسبت به امام سجاد علیه السلام، در مسجد الحرام، سروده است. «ابن عماد»، محدث و عالم حنبلی، پس از آوردن شعر «فرزدق» در کتابش، می‌نویسد: «هنگامی که هشام این قصیده را شنید، برآشف و فرزدق را زندانی کرد. علی بن حسین علیه السلام، ۱۲ هزار درهم [به عنوان صلّه] برای فرزدق فرستاد، اما او نپذیرفت و گفت: من به خاطر خداوند مدح‌گفتم و پاداشی طلب نمی‌کنم. امام زین‌العابدین علیه السلام به او پیغام داد: ما اهل بیت، زمانی که مالی را به کسی بخشیدیم، باز نمی‌ستانیم. آنگاه فرزدق صلّه علی بن حسین علیه السلام را پذیرفت.» (شذرات الذهب؛ ص ۶۱)

«شهاب زهری»، محدث مشهور اهل سنت، که روزگاری در مدینه، از امام علی بن حسین علیه السلام روایاتی فرا گرفته و محضر آن حضرت را درک کرده بود، هرگاه سخنی درباره امام سجاد علیه السلام می‌شنید، می‌گریست و می‌گفت: «او سرور و پیشوای عبادت‌کنندگان است.» (حلیة الاولیاء؛ ص ۱۳۵) «زهری» بارها گفته بود که «کسی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را نمی‌شناسد که برتر از علی بن حسین علیه السلام باشد.» (کشف الغمه؛ ص ۸۶) «محمود بن عمر زمخشری»، محدث و عالم معتزلی، در کتاب خود از معرفت و عبادت امام سجاد علیه السلام بسیار سخن گفته است. «زمخشری» می‌نویسد که شبی امام علیه السلام برای اقامه نافله شب برخاست و دست خود را برای وضو در آب فرو برد، «ثم رفع رأسه إلى السماء و القمر و الکواکب، ثم جعل یفکر فی خلقها حتی أصبح و أذن المؤذن و یدیه فی الماء؛ سپس سرش را به سوی آسمان و ماه و ستارگان بلند کرد و در آفرینش آنها به تفکر پرداخت تا آن که صبح شد و مؤذن ندای اذان را سرداد، در حالی که دست آن حضرت هنوز در آب بود.» (ربیع الابرار؛ ص ۱۰۸)

### فریادرس محرومان

«ابن شهر آشوب ساری» روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرموده‌اند: «هنگامی که امام سجاد علیه السلام به عبادت می‌ایستاد، کسی مانند او نبود. رنگ چهره‌اش به سبب شب‌زنده‌داری پریده و چشم‌هایش از شدت گریه سرخ شده، پایش به سبب ایستادن در محراب ورم کرده بود و بر پیشانی مبارکش، آثار سجده دیده می‌شد. هر کس او را به این حال می‌دید، متأثر می‌شد و می‌گریست.» (المناقب؛ ص ۱۴۹) با این حال، این کثرت عبادت، آن حضرت را از احوال بندگان خدا غافل نمی‌کرد. رسیدگی به محرومان و فقرا، یکی از بخش‌های مهم زندگی امام سجاد علیه السلام بود. «ابی نعیم اصفهانی» می‌نویسد: «لما مات علی بن الحسین، فغسلوه، جعلو ینظرون الی آثار سواد، بظهره. فقالو: ما هذا؟ فقیل: کان یحمل جرب الدقیق لیل علی ظهره، یعطیه فقراء اهل المدینه؛ هنگامی که امام سجاد علیه السلام به شهادت رسید، در زمان غسل دادن پیکر مطهرش، آثار کیبودی بر پشتش و شانۀ اش دیدند. پرسیدند: این‌ها چیست؟ گفتند: او شبانگاه کیسه‌های غذا و آرد را بر پشتش حمل می‌کرد و آنها را به فقرای شهر مدینه می‌داد.» (حلیة الاولیاء؛ ص ۱۳۶) «ذهبی» نیز، در کتاب خود به این برنامه همیشگی امام زین‌العابدین علیه السلام اشاره می‌کند و به نقل از «محمد بن اسحاق» می‌نویسد: «گروهی از مردم فقیر مدینه، با غذاهایی روزگار می‌گذراندند که نمی‌دانستند از کجا می‌آید. پس از شهادت امام سجاد علیه السلام فهمیدند که آن حضرت شب‌هنگام برای آنها غذا می‌آورد.» (سیر اعلام النبلاء؛ ص ۳۹۳) او از «عمرو بن ثابت» نقل می‌کند که گفت: «هنگامی که علی بن حسین به شهادت رسید، آثار کیسه‌های آرد و غذایی که شب‌ها برای فقرا می‌برد، بر پشتش یافتیم.» (همان) «ابی نعیم اصفهانی» از «ابوحمزه ثمالی» نقل کرده است: «علی بن حسین علیه السلام، شبانه، بر پشتش کیسه‌های آرد را حمل می‌کرد و آنها را صدقه می‌داد و می‌فرمود: صدقه ای که در خفا داده شود، خشم پروردگار را فرو می‌نشاند.» (حلیة الاولیاء؛ ص ۱۳۵)



## ولادت امام سجاد

ویردنامه



دفتر تبیین سنت اسلامی حوزه علمیه  
روابط عمومی

### دفاع از حقوق مردم

امام سجاد علیه السلام خود را برتر از دیگران نمی دانست. آن حضرت با محرومان و بردگان نشست و برخاست می کرد و آن را عملی می دانست که رضایت خداوند را در پی دارد. «ذهبی» می نویسد: «علی بن حسین علیه السلام با مرکبش از مکه خارج شد و در راه، همنشین برده ای به نام اُسلم بود. به او گفتند: قریش تو را دعوت کرده است و تو با غلامی از بنی عدی می نشینی. آن حضرت فرمود: مرد با کسی همنشین می شود که برای او منفعتی [رضای خدا] در پی داشته باشد.» (سیر اعلام النبلاء؛ ص ۳۸۸) امام سجاد علیه السلام در پاسخ به طعنه بدخواهان به ایشان، به دلیل همنشینی با محرومان، فرمودند: «خداوند هر پستی را با اسلام به بلندی تبدیل و هر نقصی را با آن کامل و هر لثیمی را در پرتو آن کریم کرد. پس هیچ فرد مسلمانی پست نیست و جز جاهلیت را پستی نتوان نامید.» (الکافی؛ ص ۳۴۵) امام زین العابدین علیه السلام، هرگز از جایگاه اجتماعی و وابستگی نسبی به رسول خدا صلی الله علیه و آله، به سود خود استفاده نکرد. بسیار پیش می آمد که در سفرها و به ویژه سفر حج، نام و نسب خود را از کاروانیان پنهان می کرد و به خدمت همسفرانش مشغول می شد. «رسول جعفریان» در این باره می نویسد: «در مسافرت نسبش را از همراهان پنهان می کرد. از ایشان سؤال شد: ما بالک اذا سافرت کتمت نسبک اهل الرفقه؟ [چرا نسبت را از همسفرانت پنهان می کنی؟] آن حضرت فرمود: اکره ان آخذ برسول... ما لا أعطی مثله؛ دوست ندارم به نام رسول خدا چیزی را بگیرم که نمی توانم مانند آن را به دیگری بدهم... جویری به بن اسماء می گوید: ما اکل علی بن الحسین من قرابته من رسول... درهماً، او از بابت خویشی خود با رسول خدا صلی الله علیه و آله... علیه و آله درهمی استفاده نکرد.» (حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام؛ ص ۲۶۴) امام علیه السلام برای حقوق مردم، ارزش فراوانی قائل بود. «ذهبی» می نویسد: «هنگامی که علی بن حسین، سواره در مدینه حرکت می کرد، به هیچ کس نمی گفت: راه بده... راه بده! و می فرمود این راه مشترک است و من نمی توانم احدی را از عبور از آن نهی کنم.» (سیر اعلام النبلاء؛ ص ۳۹۸)

### صریح با فریب خوردگان و گمراهان

سیره امام سجاد علیه السلام، در دورانی که حاکمیت فاسد اموی در پی خشکاندن ریشه های اخلاق اسلامی بود، عطر خوش مکارم اخلاق را در فضای محنت زده جامعه، می پراکند و دل ها را به سوی خود می کشاند. آن حضرت، در شرایطی که مردم، ظرفیت خود را برای دریافت و پذیرش آموزه های ناب اسلامی، رفته رفته از دست می دادند، با ابزار دعا به میدان آمد و قلب های زنگار گرفته را با یاد خداوند و بیان حقیقت دین، صیقل داد؛ با این وجود، هرگاه فرصتی پیش می آمد، با کسانی که در پی ضربه زدن به معارف دینی بودند، نیز بی پرده سخن می گفت. نامه امام سجاد علیه السلام به «شهاب زهری»، محدث مشهور اهل سنت که مدتی را نزد امام علیه السلام به فراگیری احادیث گذرانده بود، یکی از این مواضع بی پرده است که امام علیه السلام، پس از پیوستن «زهری» به دربار اموی و همکاری با حاکمان ستم پیشه، خطاب

به او نوشت. امام سجاد علیه السلام در بخشی از این نامه می نویسد: «خدا، ما و تو را از فتنه ها حفظ کند و تو را از [گرفتاری به] آتش [دوزخ] حفظ کند، تو در حالتی قرار گرفته ای که هر کس این حالت تو را بشناسد، شایسته است به حال تو ترحم کند. نعمت های گوناگون خدا بر تو سنگینی کرده است: خداوند بدن تو را سالم و عمرت را طولانی کرده است و چون خداوند تو را حامل علوم قرآن و فقیه و آشنا به احکام دین و عارف به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده، حجت او بر تو تمام شده است. ببین فردا که در پیشگاه خدا ایستادی و خداوند از تو پرسید که شکر نعمت های او را چگونه گزاردی و در برابر حجت های او چگونه به وظایف خود عمل کردی، وضع تو چگونه خواهد بود؟ گمان نکن که خداوند عذر تو را خواهد پذیرفت و از تقصیرت در خواهد گذشت، هرگز! خداوند در کتاب خود از علما پیمان گرفته است که حقایق را برای مردم بیان کنند... بدان! کمترین چیزی که کتمان کردی و سبک ترین چیزی که بردوش گرفتی، این است که وحشت ستمگر را به آرامش تبدیل کردی و چون به او نزدیک شدی و هر بار تو را دعوت کرد، اجابت کردی؛ راه گمراهی را برای او هموار کردی. چقدر می ترسم که در اثر گناهانت، فردا جایگاهت با خیانتکاران یکی باشد و به خاطر آنچه به ازای همکاری با ستمگران به چنگ آورده ای، بازخواست شوی. چیزهایی که حق تو نبود، وقتی به تو دادند، گرفتی و به شخصی نزدیک شدی که هیچ حقی را به کسی باز نگردانده است. هنگامی که او تو را به خود نزدیک کرد، هیچ باطلی را برطرف نکردی و کسی را که دشمن خداست، به دوستی برگزیدی. آیا چنین نبود که وقتی او تو را دعوت و مقرب خود کرد، [حاکمان] از تو محوری ساختند که سنگ آسیاب مظلومه هایشان، برگرد آن می چرخد و تو را پلی قرار دادند که از روی آن، به سوی کارهای خلافشان عبور می کنند و نردبانی ساختند که از آن به بام گمراهی و ضلالتشان بالا می روند؟ تو [مردم را] به سوی گمراهی آنان دعوت و راه آنان را طی می کنی. آنان به وسیله تو، در علما ایجاد شک و دل های جاهلان را به سوی خود جذب کردند. هوشیار و بیدار باش که به این وسیله به تو اعلام خطر شد، [و در جهت اصلاح] گام بردار که [فعال] به تو مهلت داده شده است. آیا نمی بینی که چقدر در نادانی و غرور فرو رفته ای و مردم چقدر در گرفتاری و فتنه به سر می برند؟! تو آنان را گرفتار کردی و مردم با دیدن وضع و موقعیت تو، دستاوردهای خود را نادیده گرفته، شیفته مقام و منصب تو شدند و دل هایشان مشتاق است که به رتبه علمی تو نایل شوند یا به مقام و منصب تو برسند و به این ترتیب، در اثر رفتار و حرکت تو، در دریایی [از گمراهی] سقوط کردند که عمق آن ناپیداست و به گرفتاری دچار شدند که ابعاد آن نامعلوم است. خدا به داد ما و تو برسد که او فریاد رس [درماندگان] است. اینک، از تمام منصب ها و ستم های خود کناره گیری کن، تا به پاکان و صالحان پیشین پیبندی؛ آنان که اینک، در کفن های پوسیده در آغوش خاک خفته اند، شکم هایشان به پشت هایشان چسبیده است، بین آنها و خدا هیچ حجاب و حایلی نیست، دنیا آنان را فریب نمی دهد و آنان شیفته دنیا نمی شوند.» (سیره پیشوایان؛ ص ۲۹۱)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ